

شرح زندگی و آثار ابوالحسن صدیقی



مجسمه فردوسی - اثر ابوالحسن صدیقی

ابوالحسن صدیقی بسال ۱۲۷۶ شمسی در تهران متولد گردید. پدرش میرزا محمد باقر صدیق الدوله دوله دوله درباریان و مستوفیان و مادرش از نوادگان فتحعلشاه قاجار بود. ابوالحسن را در بدو سنینی که مستعد مکتب و دبستان شد بمدرسه اقدسیه سپردند. این مدرسه را مرحوم سعیدالعلمای لاریجانی رحمه الله علیه که از پیشقدمان تشکیل مدارس بسبک جدید بود اداره میکرد و بر حسب مقام شامخی که در کار علم همچنین امور اجتماعی داشت مدرسه اقدسیه با بهترین وضع و رویه‌ای جهت تعلیم و تربیت شاگردان مرتب شده بود. بسیاری از رجال معاصر در این مدرسه درس خوانده‌اند و از ذلت تعلیم و حسن تربیت سعیدالعلمایها بیاد دارند. ابوالحسن خان همینقدر که سالهای ابتدائی را باخر میرساند و دستش بقلم روان شده بود هر جا کالبد باطله و مقوا و نخته - حتی در و دیوار سفیدی میبافت از نقش و نگار و خطوط و اشکال طفلانه خالی نمیکداشت. با خمیر نان و موم آدمک میساخت و از گل باغچه پیکر حیوانات میبرداشت.

دوران ابتدائی مدرسه اقدسیه پایان رسید و ابوالحسن خان وارد مدرسه آلیانس گردید. رفته رفته شوق اویه ترسیم و تصویر آراشتغال بدرس و مدرسه افزون میشد ولی با اینکه از توجه بدنیاق تعلیم فرو نمیکداشت و ناگلاس آخرین (کورسوریزور) بسربرد. در این هنگام با مشورت و سوابدید اولیای خانواده راه مدرسه استاد بزرگ کمال الملک پیش گرفت و آنجا که محیط دلخواه بود براو چنان مینمود که حیات تازه از سر گرفته و همچون راهگم کرده‌ای که بمنزل مقصود رسیده باشد با کمال شوق از دل و جان آماده خدمت استاد و فراق گرفتن رموز

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بسوق طبیعی دست به سنگ و گل برد. در منزل مجسمه‌های کوچک میساخت و گاهی آنها را نزد استاد میبرد. کمال الملک چون ذوق و استعداد این فن را نبیند و عیان میدید دستور داد که در مدرسه هم بکار مجسمه سازی مشغول شود و هیچ اثر فنی و وراحتالی فرو نمیکداشت تا اینکه اولین مجسمه سنگی او که تندیس « ونوس دومیلو » بود ساخته شد و چون استاد از هر جهت

مصور و نقاشی شد. استاد هم که شاگرد دلگرم مستعدی یافته بود در کار تعلیم ظنت و امساک روا نمیداشت و همچون پدری روحانی متوجه آموختن شاگردان بود. چنانکه امروز هر يك از فارغ التحصیلان آن مدرسه که برجای مانده‌اند باقتضای حال و استعداد نموداری از هنر ظاهر و کمالات معنوی استاد بزرگ خویش هستند. ابوالحسن خان بعد از وفات به هنر نقاشی

کار آنها پسندید و خواست عالی‌ترین تقدیر و تشویق از او بشود ابوالحسن و مجسمه‌رایه دربار مرحوم احمدشاه برد و پیرشاه عرضه داشت. شاه تمجید فراوان نمود و مقرر داشت ماهانه سی تومان به ابوالحسن بپردازند؛ تا با استظهار به عنایات شاهانه و دلگرمی بیشتر راه ترقی این هنر فرا پیش‌گیرد. یک‌سال بعد از این ابوالحسن خان پست معلمی مدرسه و سال دیگر به‌توان مدیر مدرسه صنایع مستظرفه مفتخر و منصوب گردید. در حدود همین سالها ابوالحسن خان در خدمت و ملازمت استاد خود کمال‌الملک بحضور اعلی حضرت فقید رضا شاه شرفیاب شد و بر حسب امر مأمور ساختن مجسمه والا حضرت همایون ولیعهد (اعلی حضرت محمدرضا شاه) گردید و چون عرضه داشت که در دیوار و سایر کار مهیا نیست هفته‌ای دوسه بار والا حضرت ولیعهد با کالسکه در مدرسه تشریف حضور ارزانی می‌داشت تا اینکه مجسمه والا حضرت در لباس مدرسه نظام انعام یافت.

سالها می‌گذشت و مجسمه‌های معروف صدیقی یکی پس از دیگری ساخته می‌شد. مجسمه فردوسی و امیرکبیر و سیاه نی‌زن در شمار اولین مجسمه‌های از دوران استادی ابوالحسن خان قرار دارند. اگرچه نویسنده این‌سطور در آن زمان طفل بود ولی همچون سایه‌ای از آنچه حکایت شد بیاد دارد که هنگام برده‌برداری از مجسمه سیاه‌نی‌زن (حاج مقبل) دعوی از رجال و سفرای خارجی ترتیب داده شد و در موضعی که مجسمه نی‌زن قرار داشت خود مقبل را هم نشانده بودند، از فاصله چند ذری کمال‌الملک از سفیر انگلیس می‌پرسد «مجسمه کدام یک از این دو گانه است» سفیر می‌گوید درست مشخص نیست. پس امر به نی‌زدن میکنند و چون انگشت‌های مقبل می‌جستند و گونه‌ها از دم نای فراخ می‌شود سیاه‌را از مجسمه می‌شناسند. مقبل در قالب گل هنوز گوشه‌نالار موزه صنایع مستظرفه نشسته ولی خود از خاک و خاکدان در گذشته است.

ایام عزلت و متارکه کمال‌الملک فرا می‌رسد و یافتن‌های کبر سن و خستگی دماغ از کار کناره می‌جوید و آن آفتاب هنر روی در حصار انزوا می‌کشد و یک باره شاگردان را از محضر شریف و کانون نور و کمال خود بی‌بهره و دور مانده می‌گذارد. هر یک با هنرمایه‌ای که از خدمت استاد اندوخته بودند در محیط مدرسه یا خارج از آن

دنیال کار خویش گرفتند ولی دیگر ماندن در جای خالی استاد برای ابوالحسن خان مقدور نبوده. از اینجهت بفرم مسافرت اروپا و تکمیل تحصیلات می‌افتد و بسال ۱۳۰۷ هجری شمسی عازم پاریس می‌شود. آنجا مدت چهار سال در مدرسه صنایع مستظرفه و در آلتیه استاد انزالبر Ingalber به تکمیل حجاری می‌پردازد. در آن هنگام جناب



شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سیاه نی‌زن (حاج مقبل) کار استاد صدیقی



نیم لئه سیاه - از صدیقی



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



نیم رخ همان مجسمه

آقای علاء سفارت گیری دولت شاهنشاهی را در فرانسه مهدده دار بودند. ابوالحسن خان از غایت تشویقات ایشان بسیار بهره مند میشود و با اشاره معظم له به ساختن مجسمه برنزی اعلیحضرت فقید جهت نصب در عمارت سفارت میپردازد. همچنین از تابلوی معروف « ورنز » که نمودار پذیرایی دز گریمانی از سفرای شاه عباس کبیر میباشد کپی برابر با اصلی برای سفارت تهیه مینماید. و نیز مجسمه کوچک امیر کبیر درست و سهراب را یا گل پخته میسازد که هم اکنون در عمارت سفارت گیری ایران در پاریس موجود است.

سال ۱۳۱۰ آقای صدیقی بایران مراجعت میکند ولی دیگر مدرسه کمال الملک برجای نمانده بود و همکاران و دوستان هنری او پراکنده و هر یک بکاری مشغول بودند. خوشبختانه هنوز چند ماهی از یونفاد و در تهران نگذشت که با مساعدت جناب آقای علاء توفیق تاسیس مدرسه صنایع مستظرفه در وزارت صنایع و فلاحت نصیب او گردید و پس از هفت سال اشتغال با بانک بوزارت فرهنگ منتقل و در مدرسه ای که بنام هنرهای زیبا تشکیل گردید بخدمت ادامه داد. در همین اوان استاد صدیقی مجسمه عدالت را از سنگ بازتافت ۲/۷۰ متر برای وزارت دادگستری ساخت که اکنون در سالن دادگاه جنائی نصب است. مقارن این احوال دانشکده هنرهای زیبا بدانشگاه منتقل و استاد ابوالحسن صدیقی در سلك استادان به دانشگاه وارد شد و تاکنون همچنان بکار استادی آن دانشکده مشغول است. در خلال این سالها چندین مجسمه معروف مانند مجسمه اعلیحضرت فقید که در بانک ملی نصب است - مجسمه های سعدی و ابن سینا که از سنگ ساخته شده و بر تزیات این دو بزرگ بر برای ایستاده بدست آقای صدیقی ساخته و پرداخته گردید. تصویر رنگی شیخ رئیس ابوعلی سینا و خواجه نصیرالدین طوسی که در تالار ابن سینا در دانشگاه نمودار میباشد نیز از کارهای قلمی ایشان بشمار میرود.

اینک استاد ابوالحسن صدیقی بر حسب امر ملوکانه از طرف انجمن المللی مأموریت دارد مجسمه بزرگی از نادر شاه که در حال حمله است و سه نفر قزلباش در انتزاع رکاب او و بطول ۵/۵ متر خواهد بود بسازد و بجهت انجام این امر فعلاً در ایتالیا بسر میبرد. خداوند اورا موفق فرماید و در خدمات هنری بوطن خود سربلند دارد.

پرویز صدیقی